



ساعت شنی

مرگ «سلطان محمود غزنوی» بزرگ ترین پادشاه سلسله غزنویان



سلطان محمود غزنوی، سومین شاه‌سلسله غزنویان از سال ۳۸۷قمری پس‌از شکست دادن برادرش اسماعیل، حکومت را به دست گرفت و با غلبه بر امیران سفاری، سامانی، آل بویه، آل زیار و خوارزمشاهیان بر شمال و شرق ایران آن روز استیلا یافت. سلطان محمود غزنوی به تدریج سرزمین‌های بیشتری را ضمیمه قلمرو خود کرد. او دوازده بار به سرزمین هندوستان لشکرکشی کرد اما سرانجام قبل از رفتن به ری پس از ۳۴ سال سلطنت، به دلیل ابتلا به بیماری سل در غزنین درگذشت. سلطان محمود غزنوی، اولین پادشاه مستقل و بزرگ‌ترین فرد خاندان غزنوی است که به دلیری و بی‌باکی و کثرت فتوحات و شکوه دربار در تاریخ اسلام، بسیار مشهور شده است. نبردهای فراوان وی در هند و غنایمی که از آن جا آورده، اجتماع علما و شعرا در دستگاه او و اشعار و کتبی که به نام او ترتیب یافته بود، نام سلطان محمود غزنوی را در اطراف عالم، معروف کرده است. افرادی همانند عُنصری بلخی، فُرُحی سیستانی، عَسَدجُدی مروزی، کسایی مروزی و غضابری رازی و نیز فردوسی طوسی از شاعران دربار او بودند. هم‌چنین از علمای دستگاه محمودی، هیچ کس جلیل‌القدرتر از ابوریحان بیرونی نیست.

استعمار مشرق‌زمین توسط انگلیسی‌ها آغاز شد



۱۳ فوریه ۱۶۰۱ (شش سال پیش از استقرار انگلیسی‌ها در قاره آمریکا) جیمز لانکاستر (۱۶۱۸ – ۱۵۵۴) به عنوان نماینده کل کمپانی هند شرقی با پنج کشتی و ۵۰۰ مرد مسلح انگلستان را به سوی مشرق زمین ترک کرد که روزی ده برای همه شرق بشمار آمده است.فرمان تاسیس کمپانی هند شرقی انگلستان ۳۱دسامبر ۱۶۰۰ میلادی به امضای الیزابت اول ملکه این کشور رسیده بود. در ظاهر، گرانندگان این کمپانی ۲۱۶ تن از امیران، اشراف و بازرگانان انگلستان بودند و سرمایه اولیه‌اش ۷۲ هزار پاوند طلا بود. هدف اصلی لندن، رقابت با پرتغال و هلند و استعمار شرق بود. الیزابت اول مدت اعتبار این کمپانی را ۱۵ سال تعیین کرده بود. در آن زمان شاه عباس یکم در ایران سلطنت داشت. لانکاستر افسر نیروی دریایی انگلستان در جریان جنگ دریایی سال ۱۵۸۸ با اسپانیا، فرمانده ناو وارد بونائوچر بود. این جنگ به برتری اسپانیا پایان داد و به تدریج انگلستان را بر جایگاه آن نشاناند. لانکاستر با مشرق‌زمین آشنا بود و راه‌های دریایی آن را می‌دانست. وی قبلا با همان ناو توپدار ادوارد بونائوچر یک سفر دریایی تحقیقاتی به سرلانکا، مالزیا و اندونزی کرده بود. وی در سفر دوم در چند نقطه کشتی‌های هلندی و پرتغالی‌ها را تصاحب کرد و با استفاده از اشتباهات پرتغالی‌ها که برای استقرار در هند به زور متوسل شده بودند توصیه کرد که در آغاز کار بهتر است از امپراتور تیموری هندوستان کسب اجازه شود. لانکاستر که از دولت لندن لقب «سر» گرفته است در سال ۱۶۰۷ در ناحیه سورات در ساحل غربی هند مستقر شد و کمپانی هند شرقی بعدا به تملک دولت انگلستان درآمد و استعمار هندوستان، شبه‌جزیره مالزی،ایرسلانکا،هنگ‌کنگ،برمه،استرالیا،نیوزیلند، جزایر اقیانوس هند،ایجاد سنگاپور و… آغاز شد. باید دانست که انگلیسی‌ها عمدتا از مقرّ حکومتی خود در هندوستان در امور ایران و منطقه خلیج‌فارس و بعدا همه آسیای جنوبی و غربی مداخله می‌کردند.

اتومبیل داشتن از انحصار ثروتمندان بیرون آمد



۱۳فوریه ۱۹۰۳ (۲۴ بهمن ۱۱۵ سال پیش) نخستین خودرو ۷۵۰ دلاری فورد در کارخانه اش در خیابان ماک واقع در شهر دیترویت میشیگان ساخته شد که بعدا به یک پرشک Dr. Ernst Ford. – فروخته شد. نام این خودرو «مدل – ا Ford Model A۱۹۰۳» بود. موتور این خودرو بنزین سوز دارای دو سیلندر و توان آن هشت اسب بخار بود و می‌توانست تا سرعت ۴۵ کیلومتر در ساعت حرکت کند. تا آن زمان، اتومبیل یک کالای لوکس بود. هنری فورد با ساختن فورد «مدل – ا» آن را به صورت یک وسیله ضروری زندگانی درآورد تا هرکس که استطاعت داشته باشد و بخواهد در «وقت» صرفه‌جویی کند و زودتر به کارش برسد بتواند خریداری آن را کند. به این ترتیب داشتن اتومبیل از انحصار ثروتمندان خارج شد. به رغم ۷۵۰ دلار بودن فورد مدل – ا، در آن سال تنها ۱۷۵۰ دستگاه از آن مدل فروش رفت.
اینک (سال ۲۰۱۵) بهای میانگین یک اتومبیل ساخت کارخانه فورد آمریکا – در این کشور ۱۸ هزار دلار است. خودرو فورد مدل – ا! با کمک مهندس ویلیز طراحی شده بود و مزد کارگران سازنده آن یک دلار و نیم در هر روز بود. با ورود همین اتومبیل کوچک و ارزان به بازار، آمریکا به صورت کشور اتومبیل درآمد که زندگی کردن بدون آن در این کشور دشوار است. بسیاری هستند که می‌گویند آمریکائیان عاشق اتومبیل هستند و بدون آن، احساس کمبود می‌کنند.



۱۳ فوریه سال ۱۵۴۲ کاترین هوارد پنجمین زن هنری هشتم پادشاه وقت انگلستان در برج لندن با شمشیر گردن زده شد. کاترین ۲۱ ساله بود و تنها دو سال پیش از آن با هنری ازدواج کرده بود. شهرت هنری هشتم که عمدتا به خاطر طلاق‌ها و ازدواج‌های پی‌درپی او و از این رهگذر درگیری با واتیکان بود نخست به زناشی اتهام عدم وفاداری می‌زد و سپس به دست جلا می‌سپرد. مجازات زنا اعدام نبود، ولی چون متهم زن پادشاه بود، نوعی خیانت به کشور به حساب آورده می‌شد و مستوجب مرگ قرار می‌گرفت. اعدام کاترین در حالی بود که پدرش یک لرد انگلیسی و عموزیش دوک نورفوک بود که جرات مخالفت نداشتند. کاترین را یک روز پیش از اعدام به برج لندن برده بودند تا تمرین کند که چگونه سرش را روی تخته قرار دهد که گردنش با یک ضربه شمشیر قطع شود و او این تمرین را چند بار انجام داده بود که امروزه اعدام ظالمانه خوانده می‌شود.

به مناسبت سالروز قتل «مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله» بررسی شد

کینه‌های کهنه قاتل نویسنده نخستین نظام‌نامه دموکراتیک در ایران



پس از این ماجراها صنیع‌الدوله بار دیگر راهی اروپا شد اما برای پاسخ دادن به یکسری اتهامات وارده از سوی وزیر همایون به ایران بازگشت و در جهت رفع اتهام از خود برآمد. در ۱۳۲۰ به دستور مظفرالدین شاه، صنیع‌الدوله مأمور خرید کشتی جنگی شد لذا، به آلمان سفر کرد و بعدها نیز با سفر به انگلستان کشتی جنگی جدید و مجهز به توپ‌های سنگین را خریداری و به ایران وارد کرد. این کشتی جنگی به کشتی مظفری معروف بود. نتیجه باززدی و جست‌وجوهای علمی صنیع‌الدوله در اطراف تهران در ۱۳۲۳ که کشف معدن سرب در پس قلعه بود. آزمایش و تجزیه سنگ‌های این معدن در آلمان بیانگر این بود که سنگ‌های این معدن ۲۰ درصد نقره و ۱۰ درصد سرب دارد. مشخص شدن نتیجه آزمایش‌ها منجر به راهاندازی کوره و کارگاه در تپه‌های داوودیّه برای ذوب سنگ‌های معدن شد. از دیگر اقدامات صنیع‌الدوله می‌توان به احداث کارخانه ماهوت‌بافی و ارائه طرح ضرورت احداث راه آهن در رساله نجات اشاره کرد.

صنیع‌الدوله ومشروطیت

با صدور فرمان مشروطیت در ۱۲۸۵ از سوی مظفرالدین‌شاه مقدمات تدوین نظام‌نامه انتخابات فراهم آمد. مجلس موقت با شرکت اعیان و اشراف، بازرگانان، اصفاف، شاهزادگان و با حضور علمای اعلام برای تهیه و تدوین نظام‌نامه انتخابات تشکیل شد. در این نشست میرزا نصرالله ملک‌المتمکلمین (از رهبران مشروطه) از سوی مشروطه‌خواهان و نصرالله‌خان مشیرالدوله صدراعظم از سوی دولت ایراد سخن کردند. این مجلس کمیته‌ای را مأمور تدوین نظام‌نامه انتخابات کرد. به همین جهت صنیع‌الدوله، محتشم‌الدوله و مخبرالسلطنه را میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله نااینی (رئیس‌الوزراء) به رستم‌آباد شیروان مستدین دعوت کرد و به اتفاق دو پسر مشیرالدوله (میرزا حسن‌خان و میرزا حسین‌خان) کمیسیونی تشکیل داده و نظام‌نامه انتخابات را نوشتند. ریاست این کمیسیون با صنیع‌الدوله بود. در ۱۷شهریور ۱۲۸۵، ق مظفرالدین‌شاه در میان مخالفت‌های مخالفان مشروطه از یک سو و پافشاری مشروطه‌خواهان از سوی دیگر، نظام‌نامه را توشیح کرد.در این نظام‌نامه نخستین سند پذیرش دموکراسی و رای مردم از راه برگزاری انتخابات بود. انتخابات نخستین دوره مجلس قانونگذاری، بر پایه این نظام‌نامه که به نظام‌نامه انتخابات صنفی معروف است، برگزار شد.

در اهمیت تدوین نظام‌نامه انتخابات، ملکزاده در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت، به نقل از بحرالعلوم کرمانی این‌گونه می‌نویسد: «صنیع‌الدوله و ملک‌المتمکلمین، سیدجمال که برای راجع به اوضاع و شرایطی که صنیع‌الدوله در آن برهه به ریاست مجلس انتخاب شد صفایی در کتاب رهبران مشروطه خود می‌نویسد: «وظیفه ریاست مجلس برای کشور و مردمی که مشروطه و مجلس را نمی‌دانستند کاری بس دشوار بود. نه‌تنها مردم بلکه بیشتر نمایندگان نیز به وظیفه خود و حدود اختیارات مجلس آشنا نبودند و نمی‌دانستند چه باید بکنند؟ دولت و رجال مستبدش هم به آسانی حاضر نبودند اقتدارت خود را بکاهند، آنها می‌خواستند مجلس فقط مرکز قانونگذاری باشد و در امور سیاسی و اجرایی مداخله نکند، چنان‌که مشیرالدوله در همان روزهای اول مجلس به سعدالدوله گفته بود: «اینجا مشروطه نیست، شاه یک مجلسی به شما داده که بنشینید و قانون وضع کنید.»

ملکزاده نیز در بیان از آزادیخواهی و وطن‌دوستی صنیع‌الدوله، که شاید این ویژگی‌ها همراه با امتیازات دیگری از قبیل داماد شاه بودن، در ساختار قدرت قرار داشتن و …، شرایط رئیس مجلس شدن را برای او فراهم آورد، می‌نویسد: «در میان هزارها ودیوتیان و رجال دولت که همگی مستبد، بی‌سواد و

هنری هشتم پنجمین زنی را به تیغ جلاہ سپرد!

۱۳ فوریه سال ۱۵۴۲ کاترین هوارد پنجمین زن هنری هشتم پادشاه وقت انگلستان در برج لندن با شمشیر گردن زده شد. کاترین ۲۱ ساله بود و تنها دو سال پیش از آن با هنری ازدواج کرده بود. شهرت هنری هشتم که عمدتا به خاطر طلاق‌ها و ازدواج‌های پی‌درپی او و از این رهگذر درگیری با واتیکان بود نخست به زناشی اتهام عدم وفاداری می‌زد و سپس به دست جلا می‌سپرد. مجازات زنا اعدام نبود، ولی چون متهم زن پادشاه بود، نوعی خیانت به کشور به حساب آورده می‌شد و مستوجب مرگ قرار می‌گرفت. اعدام کاترین در حالی بود که پدرش یک لرد انگلیسی و عموزیش دوک نورفوک بود که جرات مخالفت نداشتند. کاترین را یک روز پیش از اعدام به برج لندن برده بودند تا تمرین کند که چگونه سرش را روی تخته قرار دهد که گردنش با یک ضربه شمشیر قطع شود و او این تمرین را چند بار انجام داده بود که امروزه اعدام ظالمانه خوانده می‌شود.



تنظیم نظام‌نامه مجاهدت بسیار می‌کردند و کوشش می‌نمودند که این کار اساسی به نفع طبقه عامه پیدا کند. مکرر می‌گفتند: نظام‌نامه انتخابات در حقیقت مقدمه و طلیعه قانون اساسی است و هرگاه در این مرحله میلیون شکست بخورد و نظام‌نامه انتخابات روی منویات مستبدین نوشته شده و به امضا برسد، محال است یک قانون اساسی که حاکی از مصالح عمومی و متضمن منافع ملت باشد، به دست آورد.»

پس از گشایش مجلس اول و تدوین نظام‌نامه انتخابات، که مردم را به شش گروه یا طبقه (شاهزادگان، و قاجاریان، علما و طبه‌ها، اعیان و اشراف، بازرگانان، اصفاف، زمین‌داران و کشاورزان و پیشوران)، تقسیم کرد. صنیع‌الدوله به نمایندگی از طبقه اعیان به مجلس راه یافت. با پایان گرفتن انتخابات مجلس در روز ۱۴ مهر ۱۲۸۵ش در تهران، نخستین جلسه مجلس با حضور نمایندگان تهران به رسمیت شناخته و هیات‌رئسه مجلس نیز تعیین شد. در این جلسه مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله به ریاست و میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله و حاج محمدحسین امین‌الضرب به نایب انتخاب شدند. دوره اول مجلس در ایران، در حقیقت مجلس موسسان و خیرگان بود. این مجلس وظیفه اجرای مشروطیت را بر عهده داشت بنابراین، باید کشور را از وضعیت بی‌قانونی صرف خارج و به کشوری قانون‌مند تبدیل کند و این کار سهل و آسانی نبود.

راجع به اوضاع و شرایطی که صنیع‌الدوله در آن برهه به ریاست مجلس انتخاب شد صفایی در کتاب رهبران مشروطه خود می‌نویسد: «وظیفه ریاست مجلس برای کشور و مردمی که مشروطه و مجلس را نمی‌دانستند کاری بس دشوار بود. نه‌تنها مردم بلکه بیشتر نمایندگان نیز به وظیفه خود و حدود اختیارات مجلس آشنا نبودند و نمی‌دانستند چه باید بکنند؟ دولت و رجال مستبدش هم به آسانی حاضر نبودند اقتدارت خود را بکاهند، آنها می‌خواستند مجلس فقط مرکز قانونگذاری باشد و در امور سیاسی و اجرایی مداخله نکند، چنان‌که مشیرالدوله در همان روزهای اول مجلس به سعدالدوله گفته بود: «اینجا مشروطه نیست، شاه یک مجلسی به شما داده که بنشینید و قانون وضع کنید.»

ملکزاده نیز در بیان از آزادیخواهی و وطن‌دوستی صنیع‌الدوله، که شاید این ویژگی‌ها همراه با امتیازات دیگری از قبیل داماد شاه بودن، در ساختار قدرت قرار داشتن و …، شرایط رئیس مجلس شدن را برای او فراهم آورد، می‌نویسد: «در میان هزارها ودیوتیان و رجال دولت که همگی مستبد، بی‌سواد و

ولنتاین به روایت ایرانی

روابط بین دو جنس را آشکار می‌سازد. نمادهایی که از طریق آن عشاق و دوستان به کمک آن، پیوند رمانتیک خود را عیان و بی پرده عنوان می‌کنند. در این باب در سال‌های اخیر بحث‌های مختلف و متعددی در گرفته‌است و مخالفان و موافقانی دارند که این مساله را از نظرگاه‌های مختلفی تکر بسته‌اند.

دسته اول گروهی هستند که برای ولنتاین ارزش و اهمیتی قابل نیستند این گروه بر این باورند که ولنتاین پدیده‌ای وارداتی است که بصورت مقطعی در بین جوانان و نوجوانان گسترش یافته و دارای اصالت نیست. این گروه تبیین می‌کنند که ولنتاین برساخته جهان سرمایه داری است زیرا که در این روز میلیون‌ها دلار گردش مالی در دنیا بواسطه خرید و فروش کالاهای هدیه‌ای، شامل انواع کارت‌پستال‌ها، عروسک‌ها، لباس و دیگر کالاهای نمادین یا مصرفی به عنوان هدیه، موجب شکل‌گیری نوعی مبادله اقتصادی در جامعه می‌شود. و به گونه‌ای موجب رونق یافتن معادلات و مبادلات اقتصادی می‌شوند. در دنبایبی که مبادله پول و ارزش‌های اقتصادی دارند و به‌ویژه با گسترش ارزش‌های سرمایه‌سالارانه و اقتصاد بازار، طبیعی است که هر نوع آئینی که بتواند به اقتصاد بازار و ارزش‌های سرمایهداری کمک کند از حمایت نظام اقتصادی برخوردار می‌شود. این گروه قضایاتی اخلاقی،عرفی و محافظه کارانه دارند و بر این باورند این منسک وارداتی با بافت هویتی و اجتماعی همخوان نیست وسبب تعارض و جدال ارزشی در جامعه می‌شود

اما دسته دوم معتقدند ولنتاین ای روز عشق نشان از اهمیت یافتن دوستی در جهان امروز دارد. امروزه ما مواجه با کاهش اهمیت و کارکردهای خانواده هستیم که این امر در افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق یا کاهش بعد خانواده و کاهش اهمیت کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خانواده تبلور یافته‌است، بنابراین دوستی اهمیت‌بیشتری پیدا کرده‌است. پیوندهای دوستی به‌ویژه در بین زنان بسیار بر اهمیت شده‌است. جوانان



ستمگر بودند چند نفری از جمله صنیع‌الدوله و مشیرالدوله و… که در اروپا تحصیل کرده بودند و کم و بیش از اوضاع جهان اطلاع داشتند و از دستگاه شرم‌آور دولت نراضی بودند، مایل بودند که ایران هم گلمی در راه اصلاحات بردارد. در میان این رجال صنیع‌الدوله یگانه کسی بود که صمیمانه همکاری با آزادیخواهان می‌نمود و بدون پروا در مجالس خصوصی آنها حضور پیدا می‌کرد و از اوضاع دولت انتقاد می‌نمود و آنان را به راهی که صلاح بود هدایت می‌کرد.»

عدم آشنایی نمایندگان به وظایف خطیر خود، غرور و خامی و نیز اطاعت از قانون را مخالف شئون و مقامات خویش دانستن، کار صنیع‌الدوله را که بر مسند ریاست مجلس بود، دشوارتر می‌کرد اما وی با لیاقت و قدرت مجلس را اداره و متمم قانون اساسی را به امضای محمدعلی‌شاه رساند (۲۹شعبان۱۳۲۵). گذشته از این، مهم‌ترین کارکردهای صنیع‌الدوله را می‌توان در هدایت مباحث مجلسی‌ها از مسائلی نظیر گرانی ارزاق و خواربار به امور مالی، مسئولیت وزرا به ویژه تدوین قانون اساسی خلاصه کرد. در جلسه روز شنبه ۲۹شوال۱۳۲۴ مجلس شورای ملی به سیدحسین بروجردی پیشنهاد کرد که برای وکیلان مجلس حقوقی معین شود تا نمایندگانی که در مضیقه مالی هستند و بضاعت‌شان اندک است، بدون هیچ نگرانی به انجام وظایف بپردازند. این پیشنهاد با استقبال بیشتر نمایندگان مواجه شد اما صنیع‌الدوله با مخالفت با این پیشنهاد گفت: «ها اکنون مسائل مهم‌تر و دشوارتری در پیش داریم که باید با دقت و دراندیشی تمام درباره آن بحث کنیم و اگر موقعیت و استحقاق باقیمت نوبت حقوق هم می‌رسد.»

مجلس اول، چنان‌که آرزوی مردم بود به رهبری صنیع‌الدوله و یاری چند تن از روشنفکران بی‌غرض و آزموده، کارهای بزرگی انجام داد. نمایندگان این مجلس شخصیت واقعی خود را با رد پیشنهاد استقراض از دولت‌های روس و انگلیس، که یک ماه و پنج روز پس از گشایش دوره اول مجلس شورای ملی، از طرف دولت تقدیم مجلس شد، نشان داد. صنیع‌الدوله در مدتی که رئیس مجلس شورای ملی بود به سبب مشکلاتی که داشت چند بار استعفا داد، و مورد پذیرش قرار نگرفت اما به احترام ریافت و نظر نمایندگان از سر ناچاری دگر بار ریاست مجلس را پذیرفت و تا وقتی که هرج و مرجح تا مرحله ادم‌کنش در تهران پیش نرفته بود، خردمند و با قدرت و درایت و بی‌طرفی مجلس را اداره می‌کرد، اما همین‌که میرزا اسفرخان هدایت کشته شد از ادامه خدمت در چنان شرایطی هراسان شد، از خانه بیرون نیامد و تا احتشام‌السلطنه به جانشینی او انتخاب نشد، آسوده ننشست. استعفاي صنیع‌الدوله با تأسف عمیق نمایندگان و از روی اضطرار قبول شد. خبر استعفاي صنیع‌الدوله در شماره ۱۰۸ روزنامه حبل‌المتین چاپ تهران مورخ ۲۵ رجب ۱۳۲۵ منتشر شد. از دلایل استعفاي صنیع‌الدوله را مورخان قتل ابتک ذکر کرده‌اند. ابراهیم صفایی استعفاي صنیع‌الدوله را یک شاهباز سیاسی ذکر می‌کند چرا که با کناره آمدن‌ش در تهران دچار ضعف و بی‌تطمی‌شد، اگر چه او از کشته شدن خود می‌ترسید، ولی در راه خدمت به وطن ترس از دست دادن جان شرط فداکاری نیست. صنیع‌الدوله با همه فداکاری و صداقتی که در وطن‌خواهی داشت مرتکب این اشتباه شد. با بررسی نظرات ارائه‌شده راجع به استعفاي صنیع‌الدوله، دیدگاه ترس از کشته شدن خود و تهدید به قتل کردن وی را می‌توان قابل قبول‌تر و صحیح‌تر دانست و اذعان داشت که صنیع‌الدوله با همه کارنامه درخشان خود دچار این اشتباه شد. پس از فتح تهران صنیع‌الدوله در کابینه سپهدار تکتانبی وزیر فواید عامه شد و بعد از آنکه مجلس با شد که سمت وزیر معارف معرفی شد. زمانی که مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرا شد صنیع‌الدوله در دولت او سمت نداشت. ولی پس از چند ماه که کابینه ترمیم شد، صنیع‌الدوله به جای حکیم‌الملک به سمت وزیر مالیه منصوب شد. وی فکر و طرح خود را درباره احداث راه آهن دنبال کرد و با بانک آلمان برای دادن امتیاز وارد مذاکره شد، اما قبل از آنکه افکار او به ثمر برسد روز چهارم صفر مورد سوء قصد قرار گرفت. مخبرالسلطنه در کتاب خاطرات و خطرات، قتل صنیع‌الدوله را به تحریک سپهدار تکتانبی و سردار محیی می‌داند. صنیع‌الدوله رادر ۴ صفر ۱۳۲۹ق در هدف گلوله قرار دادند و در ۶ صفر کشته شد. قاتلان وی دو نفر ارمنی بودند که برای او کار می‌کردند. بعد از مرگش اجازه برگزاری مراسم ختم دولتی حتی در ولایات نیز داده نشد. وی را در مقبره هدایت در خیابان استانبول تهران دفن کردند.

✽**دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی**